

ظهور نحله های فکری-فلسفی در دو قرن اخیر باعث تغییر نگاه ادبیات شد. از جمله باختین با نظریه های مختلف به ویژه چندصدایی توانست تحلیل های تازه ای را از متون و در نتیجه جهان بینی ها ارائه کند. ادبیات فارسی در طول گستره ی خود به گونه ای پیش رفته که می توان جایگاه تکصدایی و چندصدایی را در آن مشاهده کرد. فرضیه پایان نامه حاضر بر این بوده که قصیده های فارسی تا پیش از دوره ی مشروطه به رغم تنوع زیادی که داشته اما همواره یک صدا به نام مدح که صدای ممدوح بوده را به گوش می رسانده است؛ در حالی که از دوره مشروطه به بعد این صدا به چندصدایی تبدیل شده و در قصیده های شاعرانی مانند فرخی یزدی و محمدتقی بهار علاوه بر صدای شاعر صدای مردم عادی و صدای روشنفکران را نیز می شنویم.

پایان نامه حاضر با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است و نتیجه ها نشان داد که قصیده، در سبک خراسانی و سبک عراقی تا پیش از دوره مشروطه تکصدایی بوده یعنی صدای ممدوح در آن شنیده می شد و بعد از آن از دوره مشروطه به بعد به چندصدایی تبدیل شده است.

کلید واژه : میخائیل باختین، قصیده فارسی، چندصدایی، تکصدایی